

بررسی شرایط گسترش شهر یاسوج با توجه به موقعیت قرارگیری روستاهای هم‌جوار

دکتر مهین نسترن^۱، عاطفه ریاضی^۲

^۱دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشیار دانشگاه هنر اصفهان، m.nastaran@au.ac.ir
^۲دانشجوی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه هنر اصفهان، ati.riyazi@gmail.com

چکیده

پیوندهای گوناگونی بر حسب شرایط و بسترهای اقتصادی و اجتماعی بین روستاها و شهرها برقرار است که این پیوندها می‌تواند اثرات توسعه‌ای و یا توسعه‌نیافتگی برای هرکدام از فضاهای شهری و یا روستایی (بویژه روستاها) را به دنبال داشته‌باشد.

رشد سریع شهرنشینی در کشورهای درحال توسعه باعث هجوم شهرنشینی به مناطق اطراف شهرها و روستاهای حریم آن‌ها شده و زندگی ساکنان را تحت تأثیر قرارداده‌است. گاهی نیز شهرها در جهت توسعه ناگزیر به ادغام روستاهای مجاور در خود هستند.

یاسوج که تنها نیم قرن سابقه شهرنشینی دارد، به علت شرایط مساعد آب‌وهوایی و واقع شدن به عنوان مرکز سیاسی، اداری و خدماتی استان، شهری مهاجرپذیر می‌باشد و بالتبع از رشد روزافزونی برخوردار است. با توجه به وجود موانع طبیعی و غیرطبیعی موجود برای گسترش شهر، یکی از پاسخ‌ها به این نیاز، ادغام روستاهای هم‌جوار در آن می‌باشد. از این طریق، ساخت‌وسازهای غیرمجاز و تجاوز به زمین‌های کشاورزی نیز در حریم روستاها و حاشیه شهر یاسوج نیز کنترل خواهند شد. در سال‌های اخیر نیز این موضوع در دستور کار شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان قرار گرفته و همچنان در حال بررسی می‌باشد.

در پژوهش حاضر، با هدف بررسی شرایط گسترش شهر با توجه به روستاهای هم‌جوار، اطلاعات از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و برداشت‌های میدانی از جمله: تکمیل پرسشنامه و انجام مصاحبه با مدیران ذیربط، جمع‌آوری شدند. از طریق تحلیل این اطلاعات با استفاده از تکنیک DEMATEL، مهم‌ترین مشکلات کنونی حواشی یاسوج شناسایی گردیدند. پس از رفع این مسائل در شهر و روستاهای مورد مطالعه، امکان ادغامی ضابطه‌مند میسر خواهد بود.

واژه‌های کلیدی

گسترش شهر، ادغام روستاها، تکنیک DEMATEL، شهر یاسوج.

مقدمه

سرعت رشد شهرنشینی در کشورهای در حال توسعه بیشتر از کشورهای توسعه یافته است. در ایران نیز شهرنشینی با روندی سریع و شتابان همراه بوده و این رشد شتابان، مسائل و معضلات زیادی

برای شهرهای بزرگ ایران به دنبال داشته است. [۱] یکی از اساسی‌ترین الزامات توسعه شهرنشینی تأثیرات آن بر نواحی روستایی اطراف است. در واقع ناحیه پیرامون شهر به شدت تحت تأثیر فعالیت‌های شهری قرار داشته و افزایش سریع جمعیت شهری باعث شده مزارع و باغات اطراف شهرها به محل‌های مسکونی، صنعتی و خدماتی و نظایر آن تبدیل شوند. طبق نظر لینچ، شهرنشینی عامل اشاعه شهر به سوی نواحی روستایی است و این روند، فعالیت‌ها و نفوذ شهر را در نواحی روستایی گسترش می‌دهد؛ ضمن آنکه آنچه در نواحی روستایی شکل می‌گیرد به شدت تحت تأثیر نیازهای شهری قرار دارد. [۲]

نیازشهرها به اراضی اطراف در کشورهای توسعه یافته به نحو مطلوب مدیریت و ساماندهی شده است، به طوری که در این کشورها از پتانسیل‌ها و امکانات موجود در این روستاها برای جذب توریست و کسب درآمد نیز استفاده می‌شود و خود به بهبود اقتصاد روستاها و تغییرات ساختاری این مناطق منجر شده است؛ اما در کشورهای درحال توسعه، نوع نگاه به اراضی پیرامون، نگاهی احیاکننده نبوده و این نواحی به علت تغییر کاربری اراضی کشاورزی، گسترش افقی شهر، افزایش تراکم جمعیت، ساخت‌وسازهای بی‌رویه، تخریب محیط زیست و ... تبدیل به کانون‌های بحرانی برای شهر شده است. یاسوج از سال ۱۳۴۳ به شهر تبدیل شد. پس از اعلام این شهر به عنوان مرکز استان و به علت قرارگیری در موقعیت خوب آب‌وهوایی، به یکباره جمعیت زیادی به شهر یاسوج وارد شدند که موجب گسترش شهر در تمامی جهات گردید. در این روند روستاهای زیادی با شهر اغام شده‌اند و همچنان تعداد زیادی در دستور کار ادغام قراردارند که هم شامل روستاهای واقع در شمال شهر (شمال غرب) و هم شامل روستاهای جنوبی شهر یاسوج می‌باشد. اگر برنامه‌ریزی دقیقی در رابطه با این ادغام صورت نگیرد، تبدیل به مشکلات عدیده‌ای خواهد شد؛ کما اینکه بعضی از ادغام‌های بی‌ضابطه شهر یاسوج امروزه برای شهر مشکل آفرین شده‌اند. به عنوان مثال: بلاتکلیفی روستاهای متصل به شهر مهران و بله‌زار که به بین‌الشهرین معروف شده‌اند و ادغام عجولانه روستاهای اکبرآباد و نجف‌آباد که در مسیر توسعه شهر یاسوج در سال‌های اخیر به آن اضافه گردیده‌اند، مشکلات فراوانی را به همراه داشته‌اند.